خبر

نادری و محمدحسنی دیدار کردند

## همکاری‌های مشترک ۲ نهاد فرهنگی

همکاری‌های مشترک میان نهادهای فرهنگی تاثیرگذار در جبهه فرهنگی انقلاب، با هدف تجمیع انرژی و سرمایه در جهت تولید آثار هنری در رشته‌های مختلف به‌خصوص سینما همیشه مورد تاکید دلسوزان و علاقه‌مندان به هنر انقلاب اسلامی بوده است. در سال‌های اخیر فرصت‌های زیادی به‌دلیل نبود این هم‌افزایی از دست رفته است و باید برای نزدیک کردن دیدگاه‌ها و همکاری‌های بیشتر در این زمینه تلاش کرد. در همین راستا خبر همکاری‌های مشترک بنیاد فرهنگی روایت فتح و سازمان هنری ـ رسانه‌ای اوج می‌تواند شروع خوبی برای این هدف باشد. نشست صمیمی سیدمحمد نادری، رئیس بنیاد فرهنگی روایت فتح و احسان محمدحسنی، رئیس سازمان هنری ـ رسانه‌ای اوج که در روزهای ابتدایی هفته جاری صورت گرفت، در همین زمینه اتفاق قابل توجهی است. این دیدار در ساختمان مرکزی بنیاد فرهنگی روایت فتح با حضور تعدادی از مدیران این دو نهاد فرهنگی صورت گرفت و در آن بر همکاری‌های مشترک در برپایی رویدادهای هنری انقلاب اسلامی تأکید شد. در این دیدار این دو نهاد بر تشکیل کارگروه‌های مشترک در حوزه‌های مختلف و لزوم ایجاد زیرساخت‌های جدید برای اعتلای آثار انقلاب و دفاع مقدس تأکید کردند./ فارس



نگاه

## فرار آمریکا از افغانستان مستند شد



کیکاوس زیاری
گروه فرهنگ و هنر

خروج خجالت‌آور و سریع ارتش آمریکا از خاک افغانستان بعد از هجوم طالبان به شهر کابل و تصرف آن که از سوی بسیاری از تحلیلگران به‌عنوان فراری مفتضحانه ارزیابی شد، دستمایه مستندی افشاگرانه به نام «فرار از کابل» شده است. جیمی رابرتز، مستندساز مستقل سینما که سال قبل همین روزها خودش را به افغانستان رسانده بود تا سیر وقایع را با دوربینش ضبط کند، مشاهدات ۱۸ روزه خود در این ایام را به‌صورت فیلمی تکان‌دهنده و افشاگرانه درآورده که شامل روزها و اتفاقاتی می‌شود که در این مدت، ارتش مستقر آمریکا در افغانستان انجام داد و نیروهایش را به شکلی شتابزده از خاک این کشور خارج کرد.

بخش اصلی داستان مستند فرار از کابل در فرودگاه بین‌المللی کابل اتفاق می‌افتد که یک سال قبل محل حضور نیروهای آمریکایی و تلاش‌شان برای گریز از مرگ بود. بخش‌هایی از این اتفاق که توسط دوربین بسیاری از خبرنگاران ضبط و در سطح وسیعی در اخبار روزانه شبکه‌های مختلف خبری پخش شد، گروه بزرگی از اهالی وحشت‌زده و سردرگم افغانی را نشان می‌دهد که در کنار هواپیماهای آماده پرواز می‌دوند و با آویزان کردن خودشان به این هواپیماها تلاش دارند سوار آنها شوند. این تصاویر که مردم سراسر دنیا را در بهت و حیرت و افسوس فرو برد، به‌عنوان سندی از ناکارآمدی ارتش و سیاستمداران آمریکایی درنظر گرفته شد که در زمان بحران، فرار را بر هر چیز دیگری ترجیح داده و مردم بیگناه را در تیررس مرگ و نابودی قرار می‌دهند.




### پخش صحنه‌های هولناک برای نخستین‌بار

در مستند فرار از کابل، رابرتز صحنه‌های هولناکی را ضبط کرده که برای اولین‌بار پخش می‌شود و تیره‌بختی و مصائب مردم افغانستان را به شکلی عیان و عریان به نمایش می‌گذارد. این فیلمساز برای تعریف دست اول از این فرار مذبوحانه، از یک‌سو مصاحبه‌هایی اختصاصی با گروهی از مردم و سیاستمداران داخلی کرده و از سوی دیگر با پذیرش خطر، صحنه‌هایی را با دوربینش گرفته که اختصاصی و تکان‌دهنده است.

او در این رابطه می‌گوید: «شاید آنچه در مستند فرار از کابل ویژه به‌نظر می‌رسد، این است که بیننده‌اش را بلافاصله و بدون حضور هیچ واسطه‌ای به وسط ماجرا پرت می‌کند. انگار که خود او در آن فضای مرگبار و خفقان‌آور حضور دارد و خودش یکی از قربانیان این ماجراست. برای بیننده دقیقا همان پرسش‌هایی مطرح می‌شود که برای افراد حاضر در فرودگاه مطرح بود.

آمریکایی‌ها ۲۰ سال در افغانستان چه می‌کردند و چطور شد که ناگهان لوازم خود را جمع کرده و این‌طور شتابزده از آنجا فرار کردند؟ تاریخ جلوی چشم تماشاگران مستند اتفاق می‌افتد و دوباره زنده می‌شود و بیننده دقیقا همان حسی را احساس می‌کند که مردم حاضر در آن مکان داشتند.»/ ورایتی

گزارش



غفلت از ظرفیت‌های فرهنگی و هنری برای تعامل سازنده با همسایگان

# دست «دوشنبه» را بفشاریم



رضا حسینی
روزنامه‌نگار

**در خرداد ماه امسال طی سفر رئیس‌جمهور تاجیکستان به ایران چند تفاهم‌نامه در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و تجاری میان دو کشور منعقد شد. با این‌حال هیچ‌کدام از اسناد امضا شده توسط مقام‌های بلندپایه ایرانی و تاجیک به حوزه‌های فرهنگی و هنری اختصاص نداشت. این در حالی است که ایران و تاجیکستان نقاط مشترک فراوانی در زمینه‌های فرهنگی و هنری دارند که می‌توان با تقویت آنها گام‌های مهمی در جهت نزدیک شدن هرچه بیشتر روابط دو کشور و ساکنان آنها برداشت. بخشی از ظرفیت‌های هنری تاجیکستان در سینمای این کشور نهفته است. به عنوان مثال، می‌توان به سینمای مستند تاجیکستان اشاره کرد که قدمتی نزدیک به یک قرن دارد و یکی از نقاط قوت هنر در این کشور به شمار می‌رود.**

سابقه سینمای مستند تاجیکستان به دهه ۱۹۲۰ میلادی برمی‌گردد، یعنی زمانی که مردم تاجیک تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی قرار داشتند. در واقع می‌توان گفت سینمای تاجیکستان کار خود را با تولید آثار مستند آغاز کرد. یکی از نخستین آثار مستند ساخته شده توسط کارگردانان تاجیک در سال ۱۹۲۹ میلادی به نمایش درآمد. این فیلم ورود نخستین قطار به شهر دوشنبه را به تصویر می‌کشید و آن را آرتیوم شویچ، نیکلای گزولین و واسیلی کوزین کارگردانی کرده بودند. این سه نفر را می‌توان از جمله پیشگامان سینمای تاجیکستان نام نهاد. آنها همچنین بنیانگذاران استودیوی فیلمسازی «تاجیک فیلم» نیز به شمار می‌روند که بعدها نقش مهمی در تولید فیلم‌های مستند و داستانی این کشور ایفا کرد. علاوه بر آن که نخستین اثر جدی و قابل استناد سینمای تاجیکستان یک فیلم مستند است، یکی از نخستین جایزه‌های بین‌المللی دریافت شده توسط سینمای این کشور نیز به یک فیلم مستند تعلق دارد. سال ۱۹۴۶ فیلم «تاجیکستان» توانست نشان برنز ششمین جشنواره فیلم ونیز را به خود اختصاص دهد. پس از ساخت این فیلم به مدت ۱۰ سال هیچ فیلم بلندی (چه مستند و چه داستانی) در سینمای تاجیکستان ساخته نشد. طی این دهه فقط چند فیلم کوتاه تولید شد که بیشتر آنها آثار مستند بودند. بر این اساس می‌توان سینمای مستند را بخش مهمی از تاریخ سینمای تاجیکستان قلمداد کرد.

### فراز و فرود سینمای مستند

با عبور از دهه ۱۹۵۰ میلادی ساخت آثار داستانی در تاجیکستان رونق بیشتری گرفت و فیلمسازان این کشور تا حدی از تولید آثار مستند فاصله گرفتند. تا جایی که در طول دهه ۱۹۸۰ میلادی اکثر سینماگران این کشور که تا پیش از آن در شاخه مستند فعالیت داشتند به ساخت فیلم‌های بلند داستانی رو آوردند. با این حال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که بلافاصله با جنگ داخلی تاجیکستان همزمان شد، نقطه پایان پررنگی بر رونق سینمای بلندوداستان محور تاجیک گذاشت. از همین رو در طول دهه ۹۰ میلادی بار دیگر فیلمسازان تاجیک بر ساخت آثار مستند تمرکز یافتند و از سینمای داستانی فاصله گرفتند. عمده آثاری که در طول این دهه، به‌خصوص از سال ۱۹۹۳ به بعد ساخته شد، فیلم‌های مستند و خبری بود. عواملی مانند کمبود بودجه و امکانات برای ساخت فیلم و کوچ فیلمسازان تاجیک به خارج از مرزهای این کشور موجبات تضعیف سینمای تاجیکستان را در دهه ۹۰ فراهم آورد. با این حال سینماگران تاجیک به مدد ظهور ویدئو و ساخت آثار مستند توانستند چراغ کم‌سوی سینمای این کشور را همچنان روشن نگه دارند و به بقا ادامه دهند.



### طبع‌آزمایی مشترک در سبک‌های جدید

علاوه بر حوزه مستند، عرصه‌های دیگری نیز در سینمای تاجیکستان قابل یافتن است که ظرفیت مناسبی برای همکاری مشترک دارد. با آغاز قرن ۲۱ میلادی، سینمای تاجیکستان شروع به راه‌رفتن مجدد کرد و فیلم‌های جدیدی را در معرض دید مخاطبان قرار داد. اما حال و هوای این آثار تا حدی با فیلم‌هایی که پیش از آغاز جنگ داخلی این کشور ساخته می‌شد، تفاوت داشت. یکی از دلایل این امر تغییر نسل هنرمندان تاجیک و ورود کارگردانان جدید به سینما بود. به این ترتیب آنها توانستند سبک‌های متفاوتی را تجربه کنند که پیش از آن در سینمای تاجیکستان چندان مورد توجه قرار نگرفته بود. به عنوان مثال سال ۲۰۱۶ فیلم سینمایی «رویای یک میمون» توسط رومی شوزیموف ساخته شد.

این فیلم را می‌توان نخستین تلاش هنرمندان تاجیک برای ساخت اثری در سبک وحشت تلقی کرد. اگرچه این سبک در سینمای ایران سابقه طولانی‌تری دارد اما چندان به تکامل نرسیده است. به بیان دقیق‌تر تعداد آن دسته از فیلم‌های ایرانی که از درونمایه ترسناک و فانتزی برخوردارند آن‌چنان زیاد نیست که با انگشتان دست قابل شمارش نباشد. از سوی دیگر کیفیت این آثار نیز با آثار مشابه هم‌سبک در سطح جهان برابری نمی‌کند. شاید سینماگران ایرانی و تاجیک بتوانند با کمک و همکاری یکدیگر توان خود را در سبک‌های تجربه‌نشده بیازمایند و در طول زمان آثار پخته‌تر و بهتری را در معرض دید مخاطب قرار دهند. وجود فرهنگ و زبان مشترک دو عامل مهمی است که امکان این همکاری و موفقیت آن را افزایش می‌دهد. در همین فیلم رویای یک میمون که نام آن به میان آمد، رگه‌های ناچیزی از فرهنگ و باورهای مردم تاجیکستان (که بسیاری از آنها با ایران مشترک است) مشاهده می‌شود و درونمایه و محتوای این فیلم بیشتر به محصولات فرهنگی کشور روسیه شباهت دارد. حال آن‌که در صورت به میدان آمدن ایران و همکاری هنرمندان این کشور با همتایان تاجیک، امکان این‌که آثار هنری مشترک تولید شده توسط آنها شباهت بیشتری به حال و هوای فرهنگی دو کشور داشته باشد، افزایش خواهد یافت. در مجموع ظرفیت‌های متعددی در سینمای تاجیکستان قابل مشاهده است که می‌توان در جهت تعامل فرهنگی از وجود آن بهره گرفت. تنها باید این ظرفیت‌ها را شناخت و برای به فعل درآوردن آنها تلاش، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کرد. مسلما امکان محقق ساختن این هدف با حمایت‌های مالی، آموزشی و انعقاد تفاهم‌نامه‌های فرهنگی و هنری آسان خواهد بود.

برش

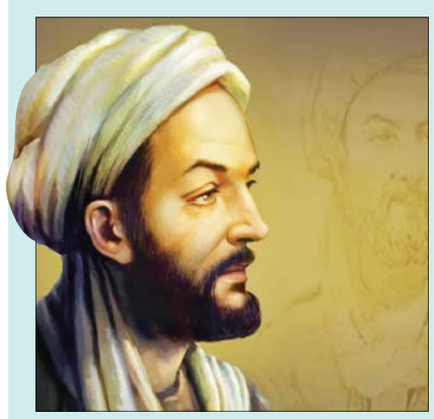
## کم‌کاری در بهره‌مندی از فرصت‌ها

**پس از آغاز جنگ داخلی تاجیکستان، سینمای این کشور دچار کسادی و رکود دامنه‌داری شد که تا چند سال پس از پایان جنگ ادامه داشت و یکی از پیامدهای آن توجه و اقبال مردم تاجیک به سینمای سایر نقاط جهان بود. این امر فرصت مناسبی را برای ایران فراهم کرد تا بتواند با محصولات بومی خود که در حوزه سینما حرفی برای گفتن داشت، خلاء ایجاد شده را پر کند. با این‌حال از فرصت طلایی به‌دست‌آمده بهره کافی برده نشد و به دلیل کم‌کاری ایران، دیگر کشورهای همسایه توانستند حفره فرهنگی مذکور را پر کنند و جای پای فرهنگی خود را در تاجیکستان محکم نمایند. طی سال‌های اخیر شاهد رشد روزافزون علاقه و اقبال مردم تاجیکستان به فیلم‌ها و سریال‌های تولید شده در کشور ترکیه هستیم. یکی از دلایل این امر سادگی فرآیند خرید محصولات فرهنگی ترکیه و واردات آن به تاجیکستان است. برخی تجار و فعالان فرهنگی تاجیکستان اعتقاد دارند که برسرراه خرید محصولات فرهنگی ایران، از جمله فیلم و سریال و واردات آن به تاجیکستان موانع فراوانی وجود دارد و مشکلات بروکراتیک این امر را دشوار می‌کند. به همین دلیل آنها ترجیح می‌دهند سراغ محصولات مشابه ساخت ترکیه بروند تا دردسر چندانی را تحمل نکنند و وقت کمتری صرف واردات این محصولات به کشور خود نمایند. این مشکلات را می‌توان با امضای تفاهم‌نامه‌های فرهنگی و هنری کارآمد رفع نمود و میدان را به همین سادگی تقدیم رقبای فرهنگی نکرد.**

نکته

## تطابق فرهنگی

**با توجه به علاقه وافر مردم تاجیکستان به‌ویژه در سطح نخبگانی، مستندسازان این کشور چشم انتظار توجه دولت ایران به تقویت پیوندهای فرهنگی و حمایت هستند که این علاقه‌مندی را در دوره‌های متعدد با حضور خود در جشنواره‌های ایرانی نشان دادند. به طور معمول فرآیند تولید فیلم‌های مستند نسبت به آثار داستان‌محور بودجه کمتری را طلب می‌کند و شکل ساده‌تری دارد. به‌همین دلیل می‌توان برای تبادل فرهنگی با تاجیکستان، بر ساخت آثار مستند تمرکز یافت و در این زمینه به همکاری با فیلمسازان تاجیک پرداخت. از لحاظ سوژه و موضوع نیز کمبود خاصی در این زمینه احساس نمی‌شود و موضوعات مشترک فراوانی میان ایران و تاجیکستان برای انتخاب وجود دارد. مردم دو کشور از دیدگاه فرهنگ و زبان ریشه‌های مشترکی دارند و پرداختن به این ریشه‌ها موضوع مناسبی برای ساخت فیلم‌های مستند است. به عنوان مثال، می‌توان سراغ مشاهیری رفت که در هر دو کشور مورد اقبال و احترام هستند. یکی از این افراد ابن‌سیناست که تصویر او حتی بر اسکناس‌های کشور تاجیکستان نیز مشاهده می‌شود. بر اساس برخی روایات تاریخی، مادر ابن‌سینا اهل بخارا بود و همین موضوع یکی از دلایل محبوبیت او نزد مردم تاجیکستان است. البته طبق مرزبندی‌های انجام‌شده پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بخارا (که روزگاری بخشی از ایران بود) امروز در خاک ازبکستان قرار دارد. با این‌حال مردم تاجیکستان همچنان علاقه فراوانی به بخارا دارند و بخش مهمی از ریشه‌های خود را در خاک این منطقه می‌بینند. پرداختن به تاریخچه بخارا و شرح جزئیاتی نظیر دلایل الصاق آن به خاک ازبکستان، موضوع مناسبی برای ساخت فیلم‌های مستند است؛ آثاری که می‌توان آنها را با کمک و همکاری کارگردانان تاجیک تولید کرد.**



دیالوگ ماندگار

## چند دقیقه بیشتر

**وندی: فقط می‌خوام به اتاقم برگردم.**
**جک: چرا؟**
**وندی: خیلی گیج شدم، من به زمان احتیاج دارم تا به همه چی فکر کنم.**
**جک: تو کل زندگی لعنتیت رو وقت داشتی تا به همه چی فکر کنی، حالا چند دقیقه بیشتر چه فایده‌ای داره؟**

اینها بخشی از دیالوگ‌های فیلم «درخشش» ساخته استنلی کوبریک است که در آن جک نیکلسون نقش نویسنده‌ای به نام جک تورنس و شلی دووال نقش وندی همسروی را بازی می‌کند. این فیلم در ژانر وحشت بر اساس داستانی به همین نام از استیون کینگ ساخته شده است.



اکران

## اکران فیلم نرگس آبیار از فردا



فیلم «ابلق» از ساخته‌های نرگس آبیار ازجمله فیلم‌هایی بود که در جشنواره سی و نهم فیلم فجر حضور داشت و توانست سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را به‌دست آورد اما اکران آن تاکنون به تاخیر افتاده است. حالا همایون اسعدیان، سخنگوی شورای صنفی نمایش خبر داده که این فیلم به همراه سه فیلم دیگر از فردا روی پرده می‌رود.

همایون اسعدیان، سخنگوی شورای صنفی نمایش در گفت‌وگو با مهر درباره خروجی جلسه دیروز یکشنبه ۲۳ مرداد این شورا گفت: در این جلسه مقرر شد از ۲۶ مرداد فیلم سینمایی «رؤیای سهراب» به کارگردانی علی قوی‌تن در پردیس شهر آفتاب شیراز، «برای مرجان» ساخته حمید زرگرنژاد در سرگروه ملت، «ابلق» به کارگردانی نرگس آبیار در سرگروه کورش و «شب طلایی» به کارگردانی یوسف حاتمی‌کیا به سرگروهی پردیس هویزه مشهد روی پرده برود.

اسعدیان تأکید کرد: با توجه به این‌که فیلم سینمایی «بازیووو» به کارگردانی امیرحسین قهرایی یک فیلم کودک است، اکرانش در گروه آزاد ادامه پیدا می‌کند./ مهر

رویداد

## سیر اندیشه ملاقلی‌پور بررسی می‌شود



دومین جلسه از برنامه «سینما پرتره» به تحلیل سیر اندیشه سینمایی رسول ملاقلی‌پور توسط رامتین شهبازی و سیدعلی روحانی و نمایش فیلم سینمایی «سفر به چزابه» اختصاص خواهد داشت. برنامه سینما پرتره امروز از ساعت ۱۷ تا ۲۰ در ساختمان شماره ۳ فارابی واقع در خیابان ولیعصر، توانیر، نبش کوچه لنکران (احتشام سابق) برگزار خواهد شد. نشست‌های سینما پرتره از جمله برنامه‌های فرهنگی فارابی با تمرکز بر دانش‌افزایی سینماگران و علاقه‌مندان به سینماست که با همکاری دانشگاه سوره در قالب سلسله‌نشست‌های سینما پرتره به بررسی و تحلیل سیر اندیشه کارگردانان بزرگ سینمای ایران و جهان اختصاص خواهد داشت و سه‌شنبه‌ها در ساختمان شماره ۳ برگزار می‌شود. نخستین برنامه سینما پرتره عصر روز سه‌شنبه ۴ مرداد با حضور اکبر نبوی، منتقد، نویسنده و پژوهشگر سینما و امیررضا نوری پرتو برگزار شد./ جام جم